

درد عالم را تو درمان می‌دهی
منکرانت را تو ایمان می‌دهی
این خرد را هم تو برهان می‌دهی
حاجت او را به یک آن می‌دهی
دسته‌های گل به دامن می‌دهی
دیو را هر لحظه فرمان می‌دهی
امر آرامی به طوفان می‌دهی
هم تویی که درس عرفان می‌دهی
هم تو تعلیمات احسان می‌دهی
آن بدست هر پشیمان می‌دهی
هم تو امیدی به انسان می‌دهی
گر که جانت را به جانان می‌دهی

ای مسیحم، مُرده را جان می‌دهی
با تجلی در زمین و آسمان
تا که در حیرت نماند این خرد
هر کجا دیدی اگر محتاج را
دامن بخشش اگر پیش آورم
تا گریزد دیو از افکار ما
گر به طوفان آید این کشتی دل
عارفان را در طریق معرفت
مالکان خرمن و خورشید را
حکم عفو ما بود در دست تو
قلب نومید مرا امید ده
گفت عیسی کی بمیری بعد از این